

نجوای نیازمندان به معبود (۲)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقاله شرحی است بر نجوای نیازمندان به معبود؛ دعای مفتقرین امام سجاده علیه السلام، که توسط استاد صورت گرفته است. انسان به هنگام مناجات باید اولاً، نیازهای خود را شناخته و آنها را مجسم سازد. ثانیاً، باور کند که خدای متعال دارای قدرت نامتناهی است و می‌تواند نیازهای او را برطرف سازد. ثالثاً، معتقد باشد که تنها خداست که می‌تواند نیازهایش را برطرف سازد.

خدای متعال نعمت‌های گرانبهای فراوانی در اختیار ما قرار داده است که با اندک تأمل می‌توانیم قدر نعمت‌های الهی را بدانیم و شاکر خدای متعال باشیم. در دعاهای خود، صرفاً نیاید از خدا درخواست حاجات مادی و گذرا بکنیم، نعمت‌های معنوی بس ارزشمندترند. در ادعیه مأثور از معصومان علیهم السلام ما را به این مهم توجه داده‌اند که در مناجات خود توجه به ارزش‌های معنوی و متعال داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: دعا، مناجات، امام سجاده علیه السلام، نیاز به فقر ذاتی.

بایسته‌های معرفتی خواندن دعا و مناجات

در جلسه قبل گفته شد که اصل کلی برای خواندن دعاها و مناجات‌ها و استفاده شایسته از آنها، افزون بر توجه به معانی و مفاهیمشان، این است که حال انسان، مساعد و هماهنگ با مضامین آنها نیز باشد تا بدین وسیله زمینه قصد انشای آن مضامین در انسان فراهم آید؛ چون دعا انشاء است و از قبیل اخبار و حکایت نیست که صرفاً انسان به قصد حکایت آنچه را معصوم فرموده، بخواند. بدین منظور و از جمله برای استفاده شایسته از مناجات مفتقرین که دارای مضامین مشابه و همسو هستند، سه نوع معرفت در انسان باید پدید آید:

۱. نیازهای خود را بشناسد و در هنگام دعا و مناجات بدان‌ها توجه داشته باشد و آن نیازها را برای خود مجسم سازد؛
 ۲. باور داشته باشد که خداوند دارای قدرت نامتناهی است و می‌تواند نیازهای او را برطرف کند. اگر انسان باور نداشته باشد که خداوند می‌تواند نیازهای او را برطرف سازد، یا آنکه با خود فکر کند مشیت و اراده الهی به برطرف ساختن نیازهای او تعلق نمی‌گیرد، انگیزه کافی برای دعا و مناجات نخواهد داشت؛

۳. باور داشته باشد که تنها خداوند می‌تواند نیازهای او را برطرف سازد. دیگران وسایلی هستند که خداوند قرار داده تا با اراده و مشیتش نیازهای انسان را تأمین کنند. ممکن است انسان باور داشته باشد که خداوند می‌تواند نیاز او را برطرف سازد و معتقد باشد که خدا می‌تواند او را روزی دهد، اما بر این باور نیز باشد که خودش نیز می‌تواند با زحمت و تلاش روزی‌اش را تأمین کند؛ یا پدر، مادر، برادر و دوستان نیز می‌توانند نیاز او را برطرف کنند. پس ضرورت ندارد که تنها در خانه خدا برود و او هم می‌تواند به خدا توسل جوید و هم به دیگران؛ چون در نظر او دیگران نقش استقلالی در تأمین نیازها و رفع مشکلات او دارند. دو معرفت اخیر در پرتو اعتقاد به توحید و شناخت صفات الهی حاصل می‌شود.

ترسیم نیاز انسان به خدا در آیات قرآن

پس در گام اول، انسان باید نیازهایش را بشناسد و به آنها توجه داشته باشد، تا برای برطرف شدنشان به خداوند توسل جوید. گاهی انسان از برخی نیازهایش آگاه است، اما توجهی به آنها ندارد. در نتیجه، از این نیازها غافل می‌شود. بی‌تردید توجه یافتن به این قبیل نیازها، که برای انسان شناخته شده‌اند، آسان‌تر از توجه یافتن به نیازهایی است که هنوز برای او شناخته نشده‌اند. از این رو، خداوند در درجه اول درصدد برآمده که توجه انسان را به نیازهایی جلب کند که او آنها را می‌شناسد و در این باره می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصُدُّونَ﴾ (انعام: ۴۶)؛ بگو: مرا گوید که اگر خداوند گوش‌ها و چشم‌های شما را بگیرد و بر دل‌های شما مهر نهد، کدام خداست جز خدای یکتا و الله که آن را برای شما باز آرد؟ بنگر چگونه آیات را چگونه گون بیان می‌کنیم، سپس آنان روی می‌گردانند.

ما از اندام سالمی چون چشم و گوش برخورداریم و توجه نداریم که ممکن است روزی این اندام آسیب ببیند و سلامتی‌شان را از دست بدهند، توجه نداریم که ممکن است روزی چشممان را از دست بدهیم یا بر اثر پیری یا عامل دیگری گوشمان کر شود، یا ممکن است عقلمان را از دست بدهیم و در زمره دیوانگان قرار گیریم. خداوند برای اینکه اهمیت این اندام را به ما گوشزد کند، می‌فرماید: اگر خدا گوش، چشم و عقلتان را بگیرد، چه کسی جز او می‌تواند این اندامی را که شدیداً بدان‌ها احتیاج دارید، به شما برگرداند؟ پس بایسته است که انسان به آنچه در اختیار دارد، توجه داشته باشد و باور داشته باشد که آنها را خداوند به او عنایت کرده و سلامتی و بقای آنها نیز در گرو اراده و مشیت اوست.

در آیه دیگر، خداوند درباره اهمیت و ضرورت وجود

ما هم در برخورداری از نعمت‌هایی چون چشم و گوش به خداوند نیازمندیم و هم در تداوم این نیازها، به راستی اگر خداوند مادر را نمی‌آفرید و زمینه‌آفرینش ما را فراهم نمی‌آورد، آیا ما قدم به این جهان می‌گذاشتیم؟ یا پس از آنکه آفریده شدیم، اگر خداوند مهربان، مهر و عاطفه‌مادری را در وجود مادرمان قرار نمی‌داد و او به تربیت و یاری ما نمی‌پرداخت، آیا زنده می‌ماندیم؟

تقدم نیازهای روانی و متعالی بر نیازهای مادی

با توجه به گستره نیازها، ما با همه وجود درمی‌یابیم که بسیار محتاج خداییم و با مطالعه مناجات مقتدرین از فقر ذاتی و شدت نیازمان به خداوند آگاه می‌شویم. البته امام سجاده علیه السلام نیازهای متعالی را مطرح می‌کنند که ما کمتر بدان‌ها توجه داریم و توجهمان بیشتر معطوف به نیازهای مادی و حیوانی است که به شهوت و شکم و تداوم حیات حیوانی ما مربوط می‌شوند و از جهت نیازمندی به آنها تفاوتی با سایر حیوانات نداریم. در صورتی که نیازهای اصیل و اساسی تر انسان، نیازهای متعالی معنوی و انسانی است و اساساً آفرینش او با هدف دستیابی به آنها انجام پذیرفته است، و نیازهای مادی و حیوانی در قبال این نیازهای متعالی چیزی به‌شمار نمی‌آیند. با این وصف، برخی همه‌هم‌وغم و تلاششان را صرف دستیابی به نیازهای مادی می‌کنند و حتی می‌کوشند که از راه نامشروع بدان‌ها دست یابند و از خسارت و زیانی که از این طریق به آخرتشان می‌رسانند، غافل‌اند.

انسان تا گرسنه نشود، قدر غذا را نمی‌شناسد و به اهمیت آن پی نمی‌برد و تا تشنه نشود، نمی‌داند که آب چقدر ارزش دارد. اما نیازهای روانی از این نیازهای مادی و حیوانی ضروری‌تر و ارزشمندترند. گاهی افراد ثروتمند بر اثر غصه و ناراحتی روانی، دست به خودکشی می‌زنند. یا برخی به دلیل ناکامی در عشق، خودکشی می‌کنند.

روز و نیاز انسان بدان می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾ (قصص: ۷۱)؛ بگو: مرا گویند که اگر خداوند، شب را بر شما تا روز رستاخیز همیشگی و پاینده گرداند، کدام خدایی است جز خدای یکتا که شما را روشنایی بیاورد؟ پس آیانی شنوید [تادریابید و پند گیرید]؟ انسان همان‌طور که به شب نیاز دارد که در آن به استراحت پردازد و تجدید قوا کند، برای آنکه فردا در روز کار خود را از سرگیرد، به روز نیز نیاز دارد و وجود شب و روز برای حیات موجودات زنده ضروری است. حال اگر در پی شب، روز نیامد و با توقف حرکت وضعی زمین و ماه، شب تا قیامت ادامه یافت، تنها خداوند یکتاست که می‌تواند آن شب را متوقف کند و در پی آن نور و روز را بیافریند. همچنین با توجه به منافع فراوان شب و از جمله اینکه خداوند شب را فرصت استراحت و آرامش انسان در پی خستگی روز قرار داده، خداوند در آیه بعد می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِمَنْ هُمْ يُصَدِّقُونَ﴾ (انعام: ۴۶)؛ بگو: مرا گویند که اگر خداوند روز را بر شما تا روز رستاخیز پاینده کند، کدام خدایی است جز خدای یکتا که شب را برای شما آورد تا در آن بیارامید؟ پس آیا [این نشانه‌ها را] نمی‌بینید [تا ایمان آورید و راه یابید]؟

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ (ملک: ۳۰)؛ بگو: مرا گویند که اگر آب شما [به زمین] فرو شود، چه کسی شما را آب روان می‌آورد؟

آیات مزبور گویای این حقیقت‌اند که ما توجهی به نعمت‌های ارزشمند در اختیارمان نداریم و به پاس این نعمت‌ها، خداوند را شکرگزاری نمی‌کنیم و نیز بر این باور نیستیم که جز او کسی نمی‌تواند نیازهایمان را تأمین کند.

کشنده تر است و دوری از او دمام بر جاننش آتش و شرر می بارد و پیوسته او را می آزد. امیرمؤمنان علیه السلام درباره تحمل ناپذیر بودن فراق معبود و محبوب می فرماید: «فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَيَّ حَرًّا نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ» (قمی، ۱۳۷۹، دعای کمیل)؛ ای خدای من و سید و مولا و پروردگارم، گیرم بر عذاب تو صبوری کنم، چگونه بر فراق صبر تو انم کرد. گیرم بر حرارت آتشت شکیب باشم، چگونه می توانم از لطف و کرمت چشم پوشم؟

بی تردید امیرمؤمنان علیه السلام، خطر عذاب جهنم و شدت سوزندگی آتش آن را بهتر از ما می شناسند، اما چون درد فراق خداوند را شدیدتر، خطرناک تر و سوزنده تر از عذاب و آتش جهنم می دانند، می فرمایند: اگر بر آتش و عذاب جهنم صبر کنم، نمی توانم بر درد فراق خداوند صبر کنم. همچنین خدا قهر الهی را شدیدترین و سخت ترین عذاب هسایش برمی شمارد و می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران: ۷۷)؛ کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را به بهای اندک، دادوستد می کنند [یعنی کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خویش را که «به پیامبر صلی الله علیه و آله، ایمان می آوریم و او را یاری می کنیم» از دست می دهند و در برابر آن، متاع دنیا مانند ریاست و رشوه، می ستانند] در آخرت بهره ای ندارند و خدا در روز رستاخیز با آنان سخن نگوید و به آنها ننگرد و [از آلودگی گناهان] پاکشان نسازد و ایشان را عذابی است دردناک.

در صورتی انذار خداوند در آیه شریفه بر انسان اثر می گذارد که او اهمیت و ضرورت توجه و نظر کردن خداوند به خود را درک کند. در نتیجه، بداند که قهر الهی چه عذاب بزرگی است و چقدر برای انسان رنج آور است.

گاهی نعمت های مادی برای انسان فراهم است، اما بر اثر ابتلا به حسد، آسایش و آرامش را از خود سلب می کند و ممکن است صفت رذیله حسد، دست انسان را به خون عزیزان و حتی برادرش آلوده سازد؛ چنانکه برادران یوسف با اینکه فرزندان پیغمبر خدا بودند، وقتی مشاهده کردند حضرت یعقوب بیش از آنها به حضرت یوسف اظهار محبت و علاقه می کند، در حق برادرشان حسادت ورزیدند و این حسادت به چنان کینه و عنادی انجامید که تصمیم گرفتند آن حضرت را بکشند تا دیگر شاهد اظهار محبت و علاقه حضرت یعقوب به برادرشان نباشند. قرآن در این باره می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلْمُتَلَبِّينَ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ» (یوسف: ۹۷)؛ به راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش نشانه ها [نشانه های قدرت و حکمت خداوند یا هدایت] و عبرت ها برای پرسندگان است. آن گاه که گفتند: یوسف و برادرش [بنیامین، برادر هم مادری یوسف] نزد پدرمان از ما که گروهی نیرومندیم محبوب ترند، همانا پدر ما [در این مهرورزی] در گمراهی آشکار است. یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیفکنید تا روی [توجه] پدرتان تنها برای شما باشد و پس از آن [کشتن یا دور کردن یوسف]، با توبه کردن [گروهی نیک و شایسته باشید].

سختی هجران و فراق برای اولیای خدا

پس برخی از نیازهای روانی از نیازهای حیوانی فراتر و مهم ترند و نیازهای معنوی و متعالی بسیار مهم تر و فراتر از سایر نیازهای انسان هستند. از این رو، برای کسی که نیاز به لقای زیباترین و کامل ترین محبوب ها، یعنی خداوند را درک کرده است، فراق محبوب از هر مصیبتی ناگوارتر و

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُؤَدِّمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ؛ پس ای خدایی که منتهای آرزوی آرزومندانی و مقصود نهایی درخواست‌کنندگان و عالی‌ترین مطلوب جویندگان و بالاترین خواهش خواهش‌مندانی و یار و دوستدار صالحان و ایمنی‌بخش دل‌های ترسان و اجابت‌کننده دعای پریشان‌خاطران و ذخیره بینوایان و گنجینه بیچارگانی و فریادرس فریادخواهانی و برآورده‌کننده حوائج مساکین و فقیران و کربم‌ترین کریمان و مهربان‌ترین مهربانان عالمی. ای خدا، خضوع و مسئلتم برای توست و تضرع و زاری‌ام به درگاه توست. از تو درخواست می‌کنم که مرا به آسایش مقام رضا و خوشنودی‌ات برسانی و نعمت‌هایی را که به من عطا کرده‌ای، پاینده داری.

وقتی انسان دریافت که خداوند، کمال مطلق و دارای قدرت نامتناهی است و توانایی تحقق همه آرزوها و خواسته‌ها را دارد، می‌تواند او را آرزو و مقصد آمالش قرار دهد. در این صورت بایسته است که آرزوی ما مستقیماً به خود خداوند تعلق گیرد، نه به نعمت‌هایی که به واسطه او به ما ارزانی می‌شود؛ چنان‌که منظور حضرت، آرزوی خداوند است، نه آرزوی نعمت‌ها. همچنین آن حضرت، خداوند را مقصود و مطلوب جویندگان و درخواست‌کنندگان معرفی می‌کنند و او را ولی و یاور شایستگان و صالحان می‌دانند. در مباحث گذشته گفتیم که خداوند دارای ولایت عام و ولایت خاص است. ولایت عام الهی شامل همه مخلوقات می‌شود؛ اما ولایت خاص الهی برای بندگان برگزیده و شایسته خداوند است؛ این همان ولایتی است که حضرت در مناجاتشان بدان اشاره دارند. در جمله پایانی بخش مزبور

مانند کودک که اهمیت و قدر نوازش و محبت مادر را می‌شناسد، می‌داند که قهر و بی‌توجهی او چقدر رنج‌آور است، تا آنجا که حاضر است مادر او را کتک بزند، اما با او قهر نکند. اما کسی که طعم لقای الهی را نچشیده، و لذت نگاه خداوند به خود را نمی‌شناسد، عذاب قهر الهی را نیز درک نمی‌کند.

خداوند عقل را به انسان عنایت نکرده است که فقط از آن برای تأمین احتیاجات شکم و امور حیوانی و مادی استفاده کند، بلکه باید از عقل برای شناخت و تدبیر در امور معنوی و متعالی بهره برد و از جمله باید از آن برای فهم و درک ارتباط با خدا و منزلت و عظمت لقای الهی بهره برد و به مقام درک مضامین بلندی که در مناجات امامان معصوم علیهم‌السلام از جمله مناجاتی که به بررسی آن می‌پردازیم، نائل آید. آیا جز این است که از بین میلیاردها انسان، اقلیتی به اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان و اعتقاد دارند و از بین این اقلیت، شمار اندکی از توفیق فراگیری علوم اهل بیت علیهم‌السلام و مطالعه و بررسی کلمات نورانی آنها بهره‌مندند؟ بایسته است که طالبان علوم اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام بیشتری در کسب معارف ایشان داشته باشند و از جمله به تفکر و تدبیر در مناجات‌های پانزده‌گانه و مناجات مفتقرین بپردازند و بدین وسیله تفاوت خود با دیگران را نشان دهند. ما باید دل و ذهنمان را از زخارف دنیا پاک کنیم و آن را با اکسیر معارف و ادعیه و مناجات بیاراییم و درصدد عمل به آنها برآییم که بی‌شک این اکسیر، حلال مشکلات دنیا و آخرت‌مان خواهد بود.

درخواست‌های متعالی امام سجاد علیه‌السلام از خداوند

«فِيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ، وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّآئِلِينَ، وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَّرِّينَ، وَيَا دُخْرَ الْمُعْدِمِينَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَيَا

از مناجات، حضرت از خداوند درخواست می‌کنند نعمت‌هایی که به ایشان عطا کرده، پاینده دارد. این دعا به ما گوشزد می‌کند همان‌طور که انسان از خداوند درخواست نعمت می‌کند، از او بخواهد که آن نعمت را پاینده بدارد و اینکه انسان همواره به خداوند نیازمند است و هم در بخشش نعمت و تداوم آن باید چشم نیاز به او داشته باشد.

«وَهَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَلِنَفْحَاتِ بِرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ، إِلَهِي إِرْحَمْ عَبْدَكَ الذَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ، وَآمِنٌ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ، وَكُنْفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ و اکنون من در درگاهت ایستاده‌ام و در معرض نسیم الطافت قرار گرفته‌ام و به رشته محکم تو چنگ زده و به حلقه مطمئن تو، خود را درآویخته‌ام. ای خدا، رحم کن به حال بنده ذلیلت که زیانتش از شرم بسته و عملش اندک است و بر من به عطای بزرگ خود، منت گذار و مرا در حمایت سایه پایداریت قرار ده. ای خدای کریم و دارای حسن و جمال، ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

ما چون با امور مادی و جسمانی سروکار داریم، برای درک امور معنوی ناچاریم که به نوعی آنها را با امور مادی و حسی و البته با تجرید از جنبه‌های حسی و مادی تشبیه کنیم. از جمله وقتی خود را در برابر خداوند غنی مطلق می‌یابیم، باید احساس کنیم که کمتر از ذره‌ای هستیم که در بارگاه با عظمت الهی که دارای رحمت و کرم بی‌نهایت است، قرار گرفته‌ایم. در این صورت خود را موجودی ذلیل و حقیر محض می‌یابیم که چون کسی که دچار خفقان شده و سخت نیازمند هوای لطیفی است که نفس بکشد، خود را محتاج نسیم رحمت الهی می‌یابیم که بدان، جانمان را از گناهانی که باعث گمراهی و بیماری مان شده برهانیم و به وسیله آن نسیم روحانی، از حیات طیب و سلامت جان بهره‌مند شویم.

جمله «وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ» بیانگر این است که انسان باید در برابر مشکلات، گرفتاری‌ها، عذاب جهنم و منجلا بی که بر اثر گناهان، فرار و پش قرار می‌گیرد، خود را مطلق و آویزان در هوا بیابد که برای رهایی از سقوط، تنها می‌تواند به ریسمان الهی چنگ زند و با انجام دستوراتش خود را از سقوط و نابودی حتمی برهاند و به ساحل سعادت و نیک‌بختی نائل گرداند. آن‌گاه حضرت می‌فرماید: خدایا، من بنده‌ای ذلیل و خوارم و عملم که به توفیق تو انجام پذیرفته اندک و کم بهاست. یعنی خدایا، من چشم به عملم ندارم، چون آن را با توفیق و عنایت تو انجام داده‌ام و افزون بر آن، عمل من چندان ناقابل و ناچیز است که نمی‌توانم بدان امیدوار باشم و به پاس آن امید سعادت و بهروزی داشته باشم. سعادت و نجات من تنها در سایه عنایت و لطف تو محقق می‌شود.

گاهی وقتی انسان در امر تحصیل و تدریس یا خدمت به جامعه، توفیقی می‌یابد یا در فرصت‌های دعا نظیر شب‌های احیای ماه رمضان، توفیق شب‌زنده‌داری و مناجات پیدا می‌کند، کارش را بزرگ می‌پندارد و به آن می‌بالد. اما امام سجاد علیه السلام که بی‌تردید اعمال ما در مقابل اعمال صالح ایشان ذره‌ای نیز نمی‌ارزد و ارزش و عظمت اعمالشان برای ما قابل درک نیست، عمل خود را حقیر و کوچک معرفی می‌کنند. همچنین امیرمؤمنان علیه السلام پس از مناجات و ناله‌ها و گریه‌های شبانه به درگاه خداوند و پس از عبادت‌هایی که از شب تا صبح انجام می‌دادند، می‌فرمودند: «أَوْ آهٍ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَبُعْدِ السَّفَرِ وَوَحْشَةِ الطَّرِيقِ وَعِظَمِ الْمَوَدِّ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۱۸)؛ آه از کمی توشه و دوری سفر و ترس راه و بزرگی مقام و ورودگاهی که در پیش است.

پی‌نوشت‌ها

دیلمی (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب*، قم، شریف رضی.

قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، *مفاتیح الجنان*، قم، اسوه.